

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

اخلاق و سیاست خارجی

دیوید بی. مکدانلد
برابرتبی، پاتمن
بی مون پاکر

مترجم:
دکتر محمدی ذاکریان



اخلاق و سیاست خارجی

ویراستاران: دیوید بی مک دانلد، رابرت جی پاتمن، پتی مسون پاکر

ترجمه: دکتر مهدی ذاکریان

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

طرح جلد: گلزار حسامی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۲۹-۶

ISBN: 978-600-5574-29-6

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگوار شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب، ۱۴۶۵۵-۱۵۹ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

این اثر ترجمه‌ای است از:

The Ethics of Foreign policy. Burlington, A shgate, 2007.David B MacDonald , Robert G. Patman & Betty Mason Parker (Eds)

عنوان و نام پدیده‌ور : اخلاق و سیاست خارجی / [ویراستاران] دیوید بی. مک دانلد، رابرت جی. پاتمن، پتی مسون پاکر؛ مترجم مهدی ذاکریان.

مشخصات نشر : تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۲۰۰۰ ص

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۲۹-۶

وضعیت نهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی: *The ethics of foreign policy*

موضوع : اخلاق و سیاست

موضوع : روابط بین‌المللی

موضوع : حقوق بشر

موضوع : جنگ با تروریسم، ۲۰۰۱، -

شناسه افزوده : ذاکریان، مهدی، ۱۳۴۷-، مترجم

شناسه افزوده : دانشگاه امام صادق(ع)

ردی‌بندی کنکره : J/۱۳۸۹/۰۱۳۸۸

ردی‌بندی دیجیتی : ۱۷۲/۴

شماره کتابشناسی ملی : ۸۳۳۱۰۹۱

فهرست مطالب

۱۳	سخن ناشر
۱۵	دیباچه
۱۷	درباره نویسنده‌گان
۱۷	ریچارد وی-آلن
۱۸	بری کوپر
۱۸	جیمز آر. فلانی
۱۸	فیل گف
۱۹	استفان هگ
۱۹	بت گینز بارچام
۲۰	جرمی هیل
۲۰	سرکن کیث
۲۰	سوزان لمپ
۲۱	دیوید بی. مک دانلد
۲۱	بتنی ماسون-پاکر
۲۱	دریک نایلز
۲۲	راشل جی. اوون
۲۲	رابرت جی. پتمن
۲۲	آفردو ریچن

۶ □ اخلاق و سیاست خارجی

۲۳	آندره استوکیل
۲۳	سیمون اس. ای. تری
۲۴	نیکلاس ویلر
۲۵	پیش‌گفتار
۲۵	اخلاق در عرصه سیاست خارجی
۲۸	ظهور بعد اخلاق
۳۳	اخلاق، سیاست و جنگ سرد
۴۴	یازده سپتامبر، جنگ علیه ترور و مبارزه برای نظام اخلاقی
۴۸	فرا سوی دوگانگی اخلاق- قدرت در سیاست خارجی
۵۱	عرصه اخلاقی سیاست خارجی
۵۵	پی‌نوشت‌ها

بخش اول: اخلاق و جنگ علیه ترور

۶۱	فصل اول: استشناگرایی، هولوکاست و سیاست خارجی آمریکا.....
۶۱	دیباچه
۶۳	۱-۱. استشناگرایی ستی
۶۶	۱-۲. مذهب و سیاست
۶۷	۱-۳. استشناگرایی، «جنگ خیرخواهانه» و هولوکاست
۶۹	۱-۴. هولوکاست و سیاست خارجی آمریکا.....
۷۲	۱-۵. یازده سپتامبر، جنگ خیرخواهانه و هماندانگاری هولوکاست
۷۶	۱-۶. پاره‌ای از تعاملات
۷۸	۱-۷. سرکوب نقدهای داخلی: مردم بومی
۷۹	۱-۸ همسانی‌های اشتباه و سامي‌ستيزی
۸۲	پی‌نوشت‌ها
۸۷	فصل دوم: آمریکایی که می‌خواهد امیر باشد: در ستایش محدودیت اخلاقی یا تو ماس‌هابزبودن ^(۱)
۸۷	دیباچه

نهرست مطالب □ ٧

۱-۲. قدرت جهان محور باید انتظار مورد تنفر واقع شدن را داشته باشد؟ ۸۹
۲-۲. قدرت جهان محور باید به شیوه هم اندیشی اعمال قدرت نماید ۹۰
۳-۲. قدرت جهان محور باید بد عمل کند و همواره باید عملکرد درست داشته باشد ... ۹۴
۴-۲. قدرت جهان محور باید گذشته اش را به عنوان یک قدرت بزرگ، فراموش کند ۹۷
۵-۲. قدرت جهان محور باید مراقب زیانش باشد ۹۸
۶-۲. قدرت جهان محور در تعقیب منافعش باید محظوظ باشد ۱۰۰
۷-۲. قدرت جهان محور باید به دنبال بین المللی کردن قدرتش باشد ۱۰۲
جمع‌بندی: همه مباحث در قالب یک دستور العمل ۱۰۳
نکته پایانی ۱۰۵
پی‌نوشت‌ها ۱۰۹
فصل سوم: نظام اخلاقی و امنیت ملی در عصر تروریسم بین المللی ۱۱۱
دیباچه ۱۱۱
۱-۳. الزام و بافت جنگ ۱۱۲
۲-۳. جنگ عادلانه ۱۱۵
۳-۳. امنیت ملی ۱۱۷
۴-۳. اخلاق ۱۲۱
۵-۳. تروریسم از جنبه معنوی ۱۲۵
۶-۳. تروریست جنگ شبکه‌ای ۱۲۹
دستاوردها ۱۳۲
پی‌نوشت‌ها ۱۳۴

بخش دوم: اخلاق و امنیت جهانی

فصل چهارم: اخلاق در «صلح‌بانی جدید بین المللی» ۱۳۹
دیباچه ۱۳۹
۱-۴. ماموریتهای صلح‌بانی در دوره پس از ۱۹۴۵ ۱۴۰
۲-۴. عرصه جدید، جهانی ۱۴۱
۳-۴. به سمت صلح‌بانی جدید بین المللی ۱۴۴

۴-۳. شرکت نیوزلند در R&MSI	۱۴۴
۴-۲. حضور استرالیا در پاپوا گینه نو	۱۴۶
۴-۴. چالش اخلاقی در صلح‌بانی بین‌المللی جدید	۱۴۸
۴-۴-۱. شروع ماموریتهای پلیسی	۱۴۸
۴-۴-۲. اجرای ماموریتهای پلیسی	۱۵۱
۴-۵. پیامدهای ماموریتهای صلح‌بانی	۱۵۳
دستاورد	۱۵۵
پی‌نوشت‌ها	۱۵۷
فصل پنجم: مداخله گرایی لیرال در برابر حقوق بین‌المللی: جنگ‌های بلر در کوزوو و عراق	۱۶۳
دیباچه	۱۶۳
۱-۵. جایگاه حقوق در سیاست خارجی اخلاقی	۱۶۵
۲-۵. کوزوو: مقبولیت و نه مشروعيت	۱۶۷
۳-۵. عراق: مشروع و نه مقبول	۱۷۰
۴-۵. مسیر سازمان ملل	۱۷۲
۵-۵. قطعنامه دوم	۱۷۴
دستاورد	۱۷۹
پی‌نوشت‌ها	۱۸۳
فصل ششم: اخلاق، رسانه و مناقشه بین‌المللی	۱۸۹
دیباچه	۱۸۹
۱-۶. نقش رسانه	۱۹۱
۲-۶. رسانه در جنگ	۱۹۲
۳-۶. یازده سپتامبر و جنگ علیه ترور	۱۹۶
۴-۳-۶. افغانستان	۱۹۷
۴-۳-۶. عراق	۱۹۸
۴-۴. رشد نظرات شخصی؟	۲۰۲
۴-۵. رشد رسانه جدید	۲۰۴

نهرست مطالب □ ۹

۶-۶. مشکلات مرتبط با رسانه جدید ۲۰۷	مشکلات مرتبط با رسانه جدید ۲۰۷
دستاورد ۲۰۹	دستاورد ۲۰۹
پی نوشت‌ها ۲۱۱	پی نوشت‌ها ۲۱۱
بخش سوم اخلاق، فرهنگ و اقتصاد	
فصل هفتم: چگونگی خوب بودن: اخلاق در سیاست خارجی ژاپن و آلمان ۲۱۵	
دیباچه ۲۱۵	دیباچه ۲۱۵
۷-۱. آلمان و ژاپن به عنوان قدرتهای مدنی ۲۱۹	۷-۱. آلمان ۲۱۹
۷-۲-۱. ژاپن ۲۲۳	۷-۲-۱. ژاپن ۲۲۳
۷-۲. پس از ۱۱ سپتامبر: هنوز قدرتهای مدنی وجود دارند یا نه؟ ۲۲۸	۷-۲. پس از ۱۱ سپتامبر: هنوز قدرتهای مدنی وجود دارند یا نه؟ ۲۲۸
دستاورد ۲۳۴	دستاورد ۲۳۴
پی نوشت‌ها ۲۳۷	پی نوشت‌ها ۲۳۷
فصل هشتم: وابستگی متقابل، دولتها و اجتماع: علاقه اخلاقی و سیاست خارجی در آ. سه. آن ۲۴۵	
دیباچه: حقوق بشر، اخلاق و وابستگی متقابل ۲۴۵	دیباچه: حقوق بشر، اخلاق و وابستگی متقابل ۲۴۵
۸-۱. وابستگی متقابل و حاکمیت: در عرصه آ. سه. آن ۲۴۸	۸-۱. وابستگی متقابل و حاکمیت: در عرصه آ. سه. آن ۲۴۸
۸-۲. مباحث اخلاقی و حمایت از محیط زیست ۲۵۲	۸-۲. مباحث اخلاقی و حمایت از محیط زیست ۲۵۲
۸-۳. میانمار و آینده علاقه اخلاقی در آ. سه. آن ۲۵۵	۸-۳. میانمار و آینده علاقه اخلاقی در آ. سه. آن ۲۵۵
۸-۴. واقع گرایی، لیبرالیسم و مشروعتیت در آ. سه. آن ۲۵۸	۸-۴. واقع گرایی، لیبرالیسم و مشروعتیت در آ. سه. آن ۲۵۸
۸-۵. مفاهیم جامعه منطقه‌ای: کنترل دولت یا راه حل‌های بالقوه ۲۶۱	۸-۵. مفاهیم جامعه منطقه‌ای: کنترل دولت یا راه حل‌های بالقوه ۲۶۱
دستاورد: ارزش‌های اخلاقی در معادله سیاست خارجی ۲۶۴	دستاورد: ارزش‌های اخلاقی در معادله سیاست خارجی ۲۶۴
پی نوشت‌ها ۲۶۵	پی نوشت‌ها ۲۶۵
فصل نهم: چالش اخلاقی در سیاست تجاری (۱) ۲۶۷	
دیباچه ۲۶۷	دیباچه ۲۶۷
۹-۱. جهانی شدن ۲۷۰	۹-۱. جهانی شدن ۲۷۰
۹-۲. واکنش منفی اولیه ۲۷۳	۹-۲. واکنش منفی اولیه ۲۷۳

۳-۹. تغییر روحیه به سمت یکپارچگی	۲۷۳
۴-۹. واکنش منفی	۲۷۷
۵-۹. سود بران و زیان دیدگان	۲۷۸
۶-۹. جبرانی برای تغییر	۲۷۹
۷-۹. شاهدی بر سودمندی جهانی شدن بر نوع بشر	۲۸۰
۸-۹. بحث محیط زیست	۲۸۸
۹-۹. چرا بسیاری به این امر باور ندارند!	۲۹۰
دستاورد	۲۹۳
بی نوشتها	۲۹۴
فصل دهم: چالش‌های اخلاقی ناشی از فساد سیاسی در یک اقتصاد سیاسی جهانی	
شده	۲۹۷
دیباچه	۲۹۷
۱-۱۰. مفهوم سازی مجدد فساد سیاسی در عصر جهانی شدن	۲۹۸
۲-۱۰. جهانی شدن و فساد سیاسی	۲۹۹
۳-۱۰. مبارزه با فساد در جهان	۳۰۱
۴-۱۰. خصوصی سازی و فساد سیاسی	۳۰۳
۵-۱۰. جهانی شدن و فاسد شدن اخلاق، تجاری	۳۰۵
۶-۱۰. فساد جهان سیاسی: تضعیف اخلاق و مشروعیت دموکراسی	۳۰۵
۷-۱۰. احزاب سیاسی و فساد	۳۰۷
۸-۱۰. سیاستگذاری مالی و فساد جهانی	۳۱۰
۹-۱۰. نمایندگی فساد	۳۱۲
۱۰-۱۰. فساد سیاسی و مشروعیت دموکراتیک	۳۱۳
دستاورد	۳۱۴
بی نوشتها	۳۱۶

بخش چهارم: اخلاق، حقوق و وکلا

فصل یازدهم: چالش اخلاقی تروریسم و دولتهای یاغی	۳۲۳
پی نوشت‌ها	۳۴۱
فصل دوازدهم: اخلاق در سیاست خارجی	۳۴۳
پی نوشت‌ها	۳۶۲
فصل سیزدهم: امنیت بین‌المللی و حقوقی: آیا حقوق بین‌الملل هنوز مناسب با شرایط مناقشه مسلحانه است؟	۳۶۵
دیباچه	۳۶۵
۱-۱۳. حق استفاده از زور	۳۶۵
۲-۱۳. قابلیت کاربرد حقوق در مناقشه مسلحانه یا حقوق بین‌الملل بشر دوستانه	۳۷۲
۳-۱۳. آیا حقوق در حین جنگ، مسکوت می‌ماند؟	۳۷۸
پی نوشت‌ها	۳۸۲
فصل چهاردهم: امید واهی یا ابزار واقع گرایانه؟ چالش‌هایی در قبال پیگیری دادگاههای کیفری بین‌المللی	۳۸۵
دیباچه	۳۸۵
۱-۱۴. پرسش‌های کلیدی و معماهایی برای عملیات و ایجاد دادگاههای کیفری بین‌الملل	۳۸۶
۲-۱۴. تقابل ادعایی میان عدالت و صلح	۳۸۷
۳-۱۴. دادگاههای بین‌المللی کیفری به عنوان ابزارهای بازدارندگی	۳۸۹
۴-۱۴. درسهای ساختاری	۳۹۰
۵-۱۴. دیوان بین‌المللی کیفری ابزاری برای مصالحة	۳۹۱
۶-۱۴. اهداف چندگانه و متعارض تعقیب کیفری بین‌المللی	۳۹۲
۷-۱۴. محدودیتهای اجرایی ساختن اختیارات دادگاههای بین‌المللی کیفری	۳۹۴
سخن پایانی	۳۹۵
پی نوشت‌ها	۳۹۷
جمع بندی: تعامل اخلاق و سیاست خارجی	۴۰۷

سخن ناشر

اگرچه حاکمیت نگرش‌های واقع‌گرایانه بر عرصه سیاست (اعم از داخلی و خارجی) مجال را به آموزه‌های اخلاقی تنگ کرده است، اما چنین به نظر می‌رسد که سیاست بدون اخلاق بهشدت آسیب‌پذیر بوده و در معرض آفت‌های متعددی قرار دارد که می‌طلبید شناسایی و مدیریت شوند. تجربه انسان در قرن گذشته حکایت از آن دارد که بازگشت به آموزه‌های اخلاقی ضرورتی انکار ناپذیر است و به همین دلیل شاهد تولید طیف متنوعی از مکاتب اخلاقی و عرضه آنها در قالب متون تخصصی به جامعه علمی و عملیاتی می‌باشیم.

دانشگاه امام صادق علیهم السلام به دلیل توجه ویژه‌ای که به مطالعات بین رشته‌ای با تأکید بر معارف اسلامی داشته است، بحث اخلاق را به صورت صرفاً مقوله‌ای فردی یا انتزاعی ارزیابی نموده و قائل به نقش آفرینی آن در دو سطوح نظری- و کاربردی به صورت توأمان می‌باشد. از این منظر اخلاقیات تعریف و ویژگی‌های خاصی پیدا می‌نماید که کاربرد آنها را در حوزه سیاست کاملاً ضروری می‌سازد. انتشار کتاب اخلاق و سیاست (تألیف دکتر طباطبائی) گام اویله در این راستا بود که به دلیل بیان اصول عملی مربوط به نقش اخلاق اسلامی در عرصه سیاست، مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. با این حال تأکید محوری اثر مذکور بر سیاست داخلی، جای خالی مطالعات تلفیقی در خصوص سیاست خارجی را آشکار ساخت.

اثر حاضر اگر چه از حیث تلقی و نوع رویکرد به اخلاق متفاوت از نگرش اسلامی می‌نماید. اما از آن حیث که به نفوذ آموزه‌های اخلاقی در عرصه سیاست خارجی توجه دارد، در خور توجه و نقد است. ناشر ضمن تأکید بر این‌که ایده‌های مطرح شده در این کتاب مورد تایید ناشر نیست، امیدوار است از رهگذر نشر و نقد آن زمینه مناسب برای طرح دیدگاه‌های بومی (مربوط به اخلاق و سیاست خارجی در سنت اسلامی) فراهم گردد. در این راستا ناشر پیش‌اپیش آراء اندیشه‌گران متعهد و متخصص را گرامی می‌دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیهم السلام)

دیباچه

کتاب پیش روی در برگیرنده یافته‌های علمی – پژوهشی نویسنندگانی است که با اندیشه‌ها، دل مشغولی و آمال و امیدهای باخترا زمین به یکی از دست آوردهای مشترک بشری پرداخته‌اند. موضوع اخلاق و تعامل آن با سیاست خارجی، موضوعی نیست که تنها برای جغرافیای آمریکا و متحдан آن کشور دارای اهمیت باشد. این موضوع در همه کشورها و برای همه ملت‌ها می‌تواند مورد توجه باشد و البته باید متوجه بود که این کتاب تنها به زاویه دید و ارزش اخلاق در سیاست خارجی از جایگاه آمریکا و متحدان آن پرداخته است. به همین روی، یافته‌های این کتاب را ضمن این‌که از منظر شناخت نگاه دانشمندان باخترا زمین باید ارزشمند دانست؛ اما از زاویه تطبیق با ارزش‌های دیگر کشورها باید محل تأمل و نقد دانست. بخش‌هایی از گفتارهای این کتاب پیوند ناگفتنی با درستی مداخله قدرت‌های بزرگ در امور جهانی با اخلاق، پدید آورده‌اند؛ حال آن‌که این موضوع خود محل نقد است. زیرا در بسیاری از موارد چنین عملکرد‌هایی منشور اخلاقی جامعه بین‌المللی را زیر سؤال بردۀ اند. وانگهی نقدهایی نیز که از این بهره در کتاب به عمل آمده تنها آتجاست که چنین رفتارهایی اصل منافع قدرت‌های بزرگ را نیز زیر سؤال بردۀ است. با این همه اثر حاضر به خاطر ارائه دیدگاه‌های تازه به ویژه از سوی دانشمندان کشورهای حوزه اقیانوسیه – استرالیا و نیوزلند – دارای بدعت و تازگی برای خوانندگان است. به همین روی خواندن این کتاب

می‌تواند در گشودن ایده‌های نوین برای تحلیل موضوعات مشترک بشری چون اخلاق، محیط زیست، حقوق بشر و مانند آینها و تعامل آنها با سیاست خارجی راهگشا باشد. در اینجا ضمن سپاسگزاری از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق علیهم السلام در پیشنهاد ترجمه این کتاب و آنکاه چاپ آن. از همکاران خوبم آقایان حسن سعید کلاهی و حمید محمدیان برای جدیت و دقیقت آنها در برگردان پارسی این کتاب سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین از خانم پریسا دهقان نژاد به خاطر تایپ و اصلاح مکرر متن حاضر و نیز ارائه پیشنهادات ویرایشی سودمند. کمال امتنان را دارم.

مهدی زاکریان

بهار ۱۳۸۹

درباره نویسندهان

ریچارد وی-آلن

عضو شورای سیاست دفاعی ایالات متحده می‌باشد. وی مشاور ارشد سابق سیاست خارجی (۱۹۷۷-۸۰) و مشاور امنیت ملی رونالدریگان- از رؤسای جمهور آمریکا- بوده است. همچنین آلن هماهنگ کننده ارشد سیاست خارجی در جریان رقات‌های انتخاباتی ریچارد نیکسون بود و سپس به عنوان مدیر و عضو ارشد ستاد در شورای امنیت ملی (۱۹۶۸-۶۹) انتخاب شد. پس از آن معاون رئیس جمهور در امور بین‌المللی و جانشین رئیس در شورای سیاستگذاری اقتصاد بین‌الملل کاخ سفید در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ انتخاب گردید. وی یکی از اعضاء بنیان گذار کمیته «خطر حاضر»^۱ بوده و یکی از اعضاء بنیان‌گذار شورای مشورتی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن می‌باشد و عضو ارشد شورای موسسه‌هاور در امور جنگ، انقلاب و صلح وابسته به دانشگاه استنفورد است. وی دانش آموخته دانشگاه ناتری دام^۲ و دانشگاه مونیخ است و در چند دانشگاه عمدۀ تدریس کرده و نویسنده و تدوین کننده شش کتاب بوده است. وی به همراه پاتریشیا - همسر خود- در کولورادو شهر واشنگتن و سترال ناکو نیوزلند زندگی می‌کند.

1. Committee on the present Danger
2. University of Notre Dame

بری کوپر

وی دانش آموخته دانشگاه بریتیش کلمبیا بوده و دکترای خود را از دانشگاه دوک دریافت کرده است. وی از سال ۱۹۸۱ در دانشگاه کالگری مشغول تدریس می‌باشد. کوپر مترجم، تدوین کننده و نویسنده بیش از ۲۰ کتاب و ۸۰ مقاله در فلسفه سیاسی غرب - اعم از کلاسیک و معاصر - و سیاست‌های کانادا و سیاست عمومی می‌باشد و می‌کوشد تا از منظر فلاسفه سیاسی به بررسی مباحث معاصر پردازد. از جدیدترین کتاب‌های وی می‌توان به «دستور کار مخفی: چگونه نگرش روزنامه نگاران کانادایی بر اخبار تاثیر می‌گذارد» (۲۰۰۳) و «امذهب سیاسی جدید: تحلیلی از تروریسم مدرن» (۲۰۰۴) اشاره کرد. وی عضو جامعه سلطنتی کانادا و مرکز مطالعات نظامی و استراتژیک بوده و نیز مدیر بخش کالگری در موسسه فستر می‌باشد.

جیمز آر. فلانی

استاد برجسته در دانشگاه اوناگو (نیوزلند) بوده و نشان طلا این دانشگاه را به خاطر پژوهش‌های حرفه‌ای برجسته دریافت کرده است. وی به عنوان یک روانشناس، قانون جدیدی را مطرح ساخته که مطابق آن ضریب هوشی تحت تاثیر فرایند نسلی می‌باشد. او این ایده را در *Scientific American* مطرح ساخته است. آخرین کتاب وی تحت عنوان «چگونگی دفاع از ایده آل‌های انسانی و فراسوی اثر فلانی» را دانشگاه کمبریج به زودی منتشر خواهد ساخت. عضو برجسته مدعو در موسسه هاوار (استانفورد) و مدرس برجسته مدعو در کورنل می‌باشد.

فیل گف

وزیر تجارت، خلع سلاح و وزیر حوزه پاسفیک در دولت کارگری نیوزلند می‌باشد. وی وزیر خارجه سابق دولت نیوزلند بوده و از دانشگاه آکلند مادرک کارشناسی را دریافت کرده و کارشناسی ارشد خود را نیز در قالب بورس تحصیلی از اداره خارجی و کامنولث از دانشگاه آکسفورد دریافت کرده است. وی مدرس مطالعات سیاسی در دانشگاه آکلند و موسسه تکنولوژیکی آکلند می‌باشد. از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ «وکیل مدافع در

قضاؤت، دادگاهها و مجازات‌ها» بوده است، از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ به عنوان وزیر کروان (Crown) انتخاب شد که حوزه فعالیتش شامل مسکن، محیط زیست، اشتغال، توریسم، امور جوانان و آموزش بوده است.

استفان هگ

به عنوان یک نظر سنج، عکاس و بازیگر فوتیال پیش از دریافت مدرک کارشناسی در تئوری سیاسی از دانشگاه کالگری، مطرح بوده است. بعد از دریافت مدرک، وی مقامی را در دولت کانادایی اوتاوا به دست آورد و در نهایت به یک تحلیل‌گر سیاسی برای کنوانسیون سازمان ملل در Biodiversity انتخاب شد. سپس وی به جزایر ماریناس منتقل شد و رئیس کمیته اخلاق پژوهشی در مرکز سلامت کامنولث در سایپان، هماهنگ کننده طراحی مراقبت‌های پژوهشی برای جزیره تینیان (Tinian) و مرچی تیم ملی فوتیال آمریکا در آنجا فعالیت کرد. وی در سال ۲۰۰۱ بورس دکتری دانشگاه اوتاگو را دریافت کرد و در همین دانشگاه و در دپارتمان مطالعات سیاسی، در حال حاضر به مطالعات تاثیرات جهانی شدن بر دولت و بر ایده‌های جهان شمول می‌پردازد.

بت گینز بارچام

مدرس روابط بین‌الملل در دانشگاه مسیی بوده و نیز در کالج ستاد و فرماندهی نیروی دفاعی نیوزلند به تدریس روابط بین‌الملل می‌پردازد و تالیفاتی را در قالب بخش‌هایی از کتاب‌های مختلف داشته و نیز شماری از مقالات را در «مجله استرالیایی علوم سیاسی» «نشریه بین‌المللی نیوزلند» و «مجله استرالیایی امور بین‌المللی» به چاپ رسانده است. به این مجموعه می‌توان آثاری تحت عنوان «جنگ‌های کوچک و شورش‌ها در آسیای جنوب شرق معاصر» که در «مجله نیروی دفاعی استرالیا» چاپ می‌شود، را اضافه نمود. اینک او در عرصه امنیت بین‌الملل بروی موضوعات شاخصی چون ضد تروریسم کار می‌کند و اخیرا به تکمیل کتابی درباره تقویت پلیس در عرصه امنیت بین‌المللی پرداخته است.

جرمی هیل

وی پایان نامه کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات سیاسی با درجه ممتاز از دانشگاه اوتاگو به پایان رسانده است. موضوع پایان نامه وی منع گسترش تسليحات هسته‌ای بوده و مدرک MS را به صورت مکاتبه‌ای از دانشگاه سنتی در لندن دریافت کرده است. وی از سال ۱۹۹۹ در عرصه صنایع وب فعالیت می‌کند و اخیراً به ویراستاری «نشریه تجاری ملی» که به صورت آنلاین در اولنند منتشر می‌شود؛ مشغول شده است.

سرکن کیث

وی از سال ۲۰۰۵ رسماً عضو دادگاه استیناف نیوزلند و قاضی دیوان دادگستری بین‌المللی است. همچنین قبلاً وی عضو دادگاه‌های استیناف ساموان، جزایر کوک و نئو، دیوان عالی و شورای ویژه فیجی بوده است. وی رئیس منتخب کمیسیون بین‌المللی حقیقت یابی بشر دوستانه می‌باشد که زیر نظر کنوانسیون‌های ژنو برای حمایت از قربانیان جنگ فعالیت می‌کند و رئیس دیوان داوری بر اساس توافقنامه NAFTA می‌باشد. وی در دادگاه داوری بین‌المللی در ارتباط با Southern Rainbow Warrior و Bluefin Tuna شرکت کرده است. همچنین کیث عضو ادارات حقوقی دپارتمان امور خارجی و سازمان ملل، عضو دانشکده حقوق دانشگاه ویکتوریا در ویلنجتون، مدیر NZITA (و اینک رئیس) و عضو رئیس کمیسیون حقوق می‌باشد.

سوزان لمپ

رئیس ستاد ریاستی دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا (ICTR)، آروشا (تانزانیا) می‌باشد. وی پیش از آن مشاور حقوقی و استیناف اداره دادستانی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق (ICTY) بوده است. وی با درجه شاگرد اولی در مطالعات حقوقی و سیاسی از دانشگاه اوتاگو فارغ التحصیل شد و از بورس Rhdes Scholar برای تحصیل در حقوق بین‌الملل عمومی در کالج زیر مجموعه دانشگاه آکسفورد استفاده کرد.

دیوید بی. مک دانلد

مدرس ارشد مطالعات سیاسی در دانشگاه اوتاگو می‌باشد. وی مدرک دکتری خود را در روابط بین‌الملل از مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن اخذ کرده است. وی از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ استاد مدعو در دانشکده علوم اجتماعی پاریس بوده است. همچنین وی در "هزاره: مجله مطالعات بین‌المللی" به نقد کتاب می‌پردازد. وی به طور منظم در مجلات نقد کتاب آمریکا و اروپا مطلب می‌نویسد و نویسنده کتاب‌های «هولوکاست بالکان؟: تبلیغات صربی و کرواتی و جنگ در یوگسلاوی» (۲۰۰۲) و «هویت سیاسی در عصر نسل کشی: هولوکاست و بازنمایی تاریخی» (۲۰۰۷) می‌باشد.

بتنی ماسون-پاکر

وی محقق ارشد عصب شناسی در دپارتمان روانشناسی در دانشگاه اوتاگو می‌باشد که به تحقیق درباره مبانی بیوشیمی، یادگیری و حافظه می‌پردازد. پیشتر وی رئیس بخش نیوزلند عفو بین‌الملل بوده و اخیراً به عنوان هماهنگ کننده منطقه‌ای اوتاگو برای بخش نیوزلندی عفو بین‌الملل مشغول به کار است.

دریک نابلز

وی دانش آموخته دانشگاه مونیخ، دانشگاه بین‌المللی مسیحی (ICU) و دانشگاه توکیو می‌باشد. وی دکتری علوم سیاسی را سال ۱۹۹۹ از دانشگاه مونیخ و بورسیه دکتری را از بنیاد کنراد-ادونچر (Konrad- Adenauer- Foundation) دریافت کرده بود. در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به عنوان دانشیار در رشته علوم سیاسی دانشگاه ترییر (آلمان) و مدرس ارشد در رشته روابط بین‌المللی دانشگاه میامی، مرکز اروپایی دولیوس (لوکزامبورگ) بوده است. وی از اکتبر ۲۰۰۰ محقق مدعو ارشد در موسسه مطالعات آسیایی در هامبورگ (آلمان) بوده و از سال ۲۰۰۱ استاد مدعو در موسسه علوم اجتماعی وابسته به دانشگاه بین‌المللی مسیحی (توکیو) محسوب بود. همچنین وی به عنوان محقق در دپارتمان مطالعات سیاسی دانشگاه اوتاگو پذیرفته شد. پروفسور تاپلر نویسنده کتاب‌ها و مقالات بیشماری در حوزه سیاست خارجی ژاپن، امنیت در آسیا –

پاسفیک و اروپا و نیز تئوری‌های روابط بین‌الملل می‌باشد. آخرین کتاب وی «بنیان اجتماعی اتحاد علیه ترور: آلمان، ژاپن و ایالات متحده» می‌باشد.

راشل جی. اون

مسئول ارشد بخش برنامه موسسه David Davies Memorial در دپارتمان سیاست بین‌الملل دانشگاه ولز می‌باشد. حوزه اصلی تمرکز وی بر روی بهره‌گیری از ورزش در عرصه بین‌المللی به ویژه بازی‌های المپیک به عنوان ابزار دیپلماسی در طول جنگ سرد می‌باشد. عنوان دکتری وی «بازی‌های المپیک مبحث شناسایی: نگرش بریتانیا و آمریکا در فاصله سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۷۲ بود» که مورد حمایت مالی شورای تحقیق هنر و انسان شناسی قرار گرفت.

رابرت جی. پتن

استاد دپارتمان مطالعات سیاسی دانشگاه اوتاگو و نیز مدیر بخش دیپلماسی چند گانه مطالعات بین‌الملل می‌باشد. وی تدوین کننده و نویسنده شش کتاب می‌باشد و یکی از تدوین‌گران سری جدید *praeger* در اخلاق و در سیاست خارجی آمریکا بود. کتاب بعدی وی تحت عنوان «بزرگترین شکست استراتژیک آمریکا: چگونه «سندرم سومالی» منجر به ۱۱ سپتامبر شد» در اواخر ۲۰۰۷ منتشر شد. وی به عنوان یک محقق ارشد، به طور منظم در عرصه رسانه ملی و بین‌المللی به بحث و گفتگو درباره مباحث و حوادث جهانی می‌پردازد.

آلفردو ریچن

وی استاد علوم سیاسی در موسسه علوم سیاسی وابسته به دانشگاه کاتولیک شیلی است. وی مدرک کارشناسی را از کالج الیگنی (Allegheny) پنسیلوانیا و مدرک ارشد خود را از دانشکده FLACSO شیلی و دانشگاه منچستر انگلیس دریافت کرده است. وی به عنوان استاد مدعو در دپارتمان مطالعات سیاسی دانشگاه اوتاگو، محقق در مرکز دیوید راکفلر برای مطالعات آمریکایی لاتین، دانشگاه هاروارد و محقق مدعو راکفلر در مرکز Foundation's Bellagio ایتالیا و به تازگی به عنوان محقق موسسه مطالعات سیاسی و

محقق دانشگاه تگزاس در آستین انتخاب شده است. حوزه مطالعات وی شامل فساد سیاسی، تجارت و سیاست، سیاستگذاری عمومی در آمریکای لاتین، نمایندگی سیاسی و نقش رهبری سیاسی در بنیان دموکراسی در کره جنوبی و سیاست‌های محلی می‌باشد.

آندرو استوکیل

مدیر اجرای مرکز اقتصاد بین‌الملل می‌باشد. وی دکتری خود را از دانشگاه دوک دریافت کرده است و به عنوان یک تحلیل گر سیاست تجاری و اقتصاد بین‌المللی شناخته می‌شود. وی از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ مدیر (رئیس) اداره استرالیایی اقتصاد کشاورزی (ABARE) در کانبرا بوده است. وی کارشناس تحلیل سیاسی و اقتصاد بین‌الملل می‌باشد و پاره‌ای از برنامه‌های تحقیقاتی در عرصه مطالعات سیاست‌های اروپایی و تجارت بین‌المللی ارائه و مدیریت کرده و این مطالعات با استقبال جهانی روبرو بوده است. وی بیش از ۳۰ اثر در کارنامه خود دارد که از آن جمله می‌توان به «دلیل در برابر احساس: استلزماتی برای دور موفق سازمان تجاری جهانی، حل مسئله» «نگاهی به اقتصاد سیاسی در رفرم کشاورزی» «حمایت بد، تجارت ترجیحی و کشورهای در حال توسعه» اشاره کرد.

سیمون اس. ی. تروی

دارای مدارک LL.B., Hons (دانشگاه ملی سنگاپور) (هاروارد) است وی محقق حقوق بین‌الملل در دانشگاه ملی سنگاپور می‌باشد. اخیراً رئیس موسسه امور بین‌الملل سنگاپور و رئیس آژانس محیط زیست ملی شده است. وی برای سه دوره عضو منتخب پارلمان سنگاپور (۱۹۹۷-۲۰۰۱) بوده و عضو هیئت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله فروم منطقه ای آ. سه. آن: شورای بین‌الملل چین در محیط زیست و توسعه، و فروم پاسفیک آسیایی در محیط زیست و توسعه بوده است. وی مدرک Laylin prize, Fulbright Scholarship (1993-94) برای بهترین تئوری حقوق بین‌الملل (مدرسه حقوق هاروارد) و یک Eisenhower Fellowship دریافت کرده است. وی نویسنده کتاب‌های متعددی از جمله «احیاء ASAN» (۲۰۰۱) «با دشمن: مبارزه با فساد در آسیا»،

«آسیای پاسفیک، ۲۰۲۲: نمای کلی منطقه» است. همچنین وی جایزه نویسنده داستان‌ها و شعر را با پنج اثر به خود اختصاص داد.

نیکلاس ویلر

استاد روابط بین‌الملل در دپارتمان سیاست بین‌الملل دانشگاه ولز می‌باشد. وی یکی از دو نویسنده «ریشه‌های بریتانیایی استراتژی هسته‌ای ۱۹۴۵–۵۵» و به همراه نیم دون کتاب «حقوق بشر در سیاست‌های جهانی» را تهیه کرده و نویسنده «حفظ قویتر: مداخله بشر دوستانه در جامعه بین‌الملل» (۲۰۰۰) می‌باشد. همچنین به همراه کولین مک‌اینس کتاب «ابعاد مداخله نظامی» را تهیه کرده است. در سال‌های اخیر وی اقدام به نوشتن مقالات بسیار در حوزه مداخله بشر دوستانه و سیاست اخلاق دولت کارگری بریتانیا تحت رهبری تونی بلر نموده است. اخیراً به مطالعه تاثیر دکترین دفاع پیش‌دستانه بوش از منظر مشروعیت و مقبولیت مداخله بشر دوستانه در جامعه بین‌المللی پرداخته است.

پیش‌گفتار

اخلاق در عرصه سیاست خارجی

دیوید بی. مک دانلد و روبرت جی. پتن

در سراسر جهان جذایت اخلاق و ارتباط با سیاست خارجی به طرز فزاینده‌ای مورد توجه واقع می‌شود. روزنال و گیلب^۱ به این نکته اشاره دارند که «نظام اخلاقی، ارزش‌ها و اخلاق به عنوان اصول جهانی (حضور این ایده‌ها در عرصه بین‌المللی که تقریباً به صورت کاملی در انحصار خطیبان و محققان بودند) در قلب دستکم اندیشه-جامعه سیاست خارجی آمریکا ریشه دارند».^(۱) با توجه به این که آمریکا تنها ابر قدرت جهان است، لذا این گرایش محدود به سیاست خارجی این کشور نیست، بلکه بر جامعه جهانی تأثیر دارد. با چنین برداشتی، کتاب حاضر به تبیین تأثیر اخلاق بر مسائل سیاست خارجی چون مداخله نظامی، حفظ صلح و پلیسی بین‌الملل، جهانی شدن رسانه، تجارت و ایجاد جامعه منطقه‌ای و حقوق بین‌الملل، خواهد پرداخت.

در این چارچوب، سیاست خارجی به عنوان عرصه‌ای از سیاست‌ها دانسته می‌شود که می‌کوشد میان دولت – ملت با محیط بین‌المللی خویش ارتباط برقرار سازد. لذا سیاست خارجی متوجه تصمیمات و اقداماتی برای برقراری روابط میان یک بازیگر مستقل (معمولاً دولت) با سایر بازیگران در عرصه بین‌المللی است.^(۲)

1. Rosenthal and Gelb

تصمیم‌گیران سیاست خارجی در مقایسه با عرصه سیاست داخلی، غالباً موضوعاتی در دستور کارشان قرار دارد که برآنها کنترل کمتری دارند و اطلاعاتشان از ابعاد مسئله کامل نیست. در اصل سیاست خارجی ترسیم کننده روش یک دولت برای ایجاد هماهنگی و اولویت بندی بعد خارجی منافع و نیز برنامه ریزی برای ارزش‌های نهایی است که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند. در نتیجه، غالباً موجب اقداماتی در شکل دهی به محیط خارجی یک دولت می‌شوند که بتواند پیامدهای مشتبی برای دولت و متحداش به ارمغان آورد. همچنین سیاست خارجی می‌تواند به عدم اقدام نیز اشاره داشته باشد. بنابراین، فقدان تمایل غرب برای جلوگیری از نسل کشی در رواندا بسیاری از مسائل را روشن می‌سازد. همان‌طور که حمایت از اقدامات ممانعتی در برابر تراژدی‌های مشابه در یوگسلاوی نیز نشانگر مباحث بسیار است.

اما اصطلاح اخلاق به چه معنی است؟ معمولاً می‌توان احراق را به صورت کاربردی «یک سیستم کامل و منسجم از باورها، ارزش‌ها و ایده‌ها تعریف کرد که یک شبکه‌ای را طراحی می‌کنند که در چارچوب آن، انواعی از عملکردها را در گروه اقدامات بد قرار می‌گیرند و لذا باید از آنها اجتناب کرد»، در حالی یک سری دیگر از اقدامات خوب دانسته می‌شوند و لذا جایز بوده و حتی باید بدان عمل کرد.^(۳) معمولاً سیستم‌های اخلاقی دارای پاره‌ای ملاک‌های رسمی هستند. لذانمی‌توان آنها را به صورت بی‌هدف یا اتفاقی انتخاب کرد، بلکه آنان ریشه در یک جامعه و زمان بخصوص دارند. پیترهاس به خوبی این مسئله را تبیین می‌کند که اخلاق بنيان یک رفتار استاندارد برای حامیانش محسوب می‌شود که مشخص کننده خوب یا بد بودن اهداف می‌باشد و لذان نوع خاصی از رفتارها را درست یا غلط می‌داند. زمانی یک سیستم اخلاقی خوب کار می‌کند که منسجم بوده و دارای تنافق‌ذاتی نباشد و باید آنایی که این سیستم را می‌پذیرند، «به درستی آن ایمان»^۱ داشته باشند. در همان حال، این امر متضمن پاره‌ای از علائق نیز می‌باشد. همچنین این سیستم باید «از پاره‌ای جهات، ارزش‌ها و منافع افراد و گروه‌ها را تقویت کند». بر عکس «اگر تصور شود که مجموعه‌ای از عقاید و ارزش‌ها بقا و رفاه یک جامعه را هدف گرفته‌اند، در نهایت آن

1. Intuitively correct

جامعه آن را به عنوان یک نگرش ناپسند، نمی‌پذیرد.^(۴) اگر اخلاق متضمن انتخاب میان آنچه که از لحاظ اخلاقی درست و آنچه که نادرست است، باشد؛ در آن صورت بایستی قبول کرد که امکان عملکرد چنین اخلاقی در سیاست خارجی بسیار محدود بوده و این مسئله‌ای است که در گذشته به اثبات رسیده است. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که در طول تاریخ بشر تنها در یک دوره ۲۹ ساله هیچ جنگی در جهان به ثبت رسیده است.^(۵) هر چند جنگ از همان ابتدا با تمدن بشري عجین بوده است، اما به همان سان تاریخ کهن حقوق و پیمان‌ها برای توقف تجاوز و نیز قوانین و مقررات برای صلح، همکاری و عدالت میان دولت‌ها از کتاب عبری دو تورنومی^۱ تا قانون روم نیز مطرح بوده است. با وجودی که علائق اخلاقی به ندرت نیروی هادایتگری برای سیاستگذاری بوده‌اند، اما به دنبال پایان جنگ سرد، اتفاق‌های دید بهتری در طول دو دهه گذشته پدیدار شده و نیز گسترش بیش از پیش جهانی که با فراسایش عقلانیت ستگرا شروع شده باعث گردید تا اخلاق و منافع در همراهی کامل با یکدیگر قرار گیرند. به هر حال اگر این فرآیند تداوم یابد، امکان بیشتری برای این‌که عناصر اخلاقی و منافع درهم تبین شده و باز تعریفی از منافع ملی در جهان جدید قرن بیست و یکمی به وجود آید.

ما در این گفتار مقدماتی به تبیین روابط در حال تحول میان اخلاق و سیاست خارجی خواهیم پرداخت. این گفتار به پنج بخش تقسیم می‌شود. در بخش نخست به تبیین بعد اخلاقی اولیه در سیاست‌های جهانی پرداخته خواهد شد. در بخش دوم به گسترش پارادوکس‌ها در سیاست خارجی اخلاقی در طول جنگ سرد اشاره خواهد شد. در بخش سوم به تاثیر پایان جنگ سرد و گسترش جهانی شدن بر علائق اخلاقی در سیاست خارجی توجه می‌شود. در بخش چهارم نشان می‌دهد که چگونه در دوره پس از ۱۱ سپتامبر رقابت اخلاقی فزاینده‌ای در حوزه سیاست خارجی به وقوع می‌پیوندد و در نهایت ما به تعمق درباره استلزمات اخلاقی سیاست خارجی در یک عرصه جهانی در حال تحول خواهیم پرداخت.

۱. Deuteronomy پنجمین و آخرین کتاب که تورات آن را به ۳۴ فصل و ۹۵۵ آیه تقسیم کرده است

ظهور بُعد اخلاق

از همان اوایل تاریخ، پیمان نامه‌هایی برای پوشش نحوه جنگ و رفتار جنگی مطرح بوده است. در مصر باستان، روم، یونان، بین النهرین^۱، هند و نیز در قرن چهارم پیش از میلاد، در چین (سان تزو استراتژیست نظامی) قوانینی برای مدیریت جنگ‌ها طراحی شد.^(۷) سنت آگوستین این بحث را مطرح ساخت که اقدام به جنگ مستلزم دلیل منطقی است و این امر سر آغازی برای تلاش‌های این چنینی بوده و در روابط بین‌الملل معاصر بازتاب یافته است. توماس هابز^۲ بر آن بود که بدون وجود یک دولت دارای حاکمیت، زندگی بشری «منزوی، فقیرانه، دردناک، بی رحمانه و کوتاه» خواهد بود و جنگ یک ضرورت ناخوشایند برای دولتها جهت حمایت از امنیت و رفاه شهروندانشان می‌باشد.^(۷)

در جریان جنگ‌های سی ساله، هوگو گرسیوس هلندی کتاب معروف خود تحت عنوان «قوانین جنگ و صلح» را نوشت. گرسیوس – که بسیاری او را به عنوان پدر حقوق بین‌الملل می‌شناسند – معتقد بود که در شرایطی طبیعی موجودات انسانی در صلح زندگی می‌کنند. جنگ نقض اصول حقوق طبیعی بود و تنها برای دفاع از خود استفاده می‌شد. از آن زمان، ایده‌های گرسیوس به زیر بنای سیستم بین‌المللی تبدیل شد.^(۸) در قرن شانزدهم امانوئل کانت^۳ این نظریه را مطرح ساخت که یک سیستم صلح دائمی مستلزم وجود یک سیستم حقوقی از دولتهای لیبرال است. در قرن هجدهم کارل ون کالازویتوس^۴ به ترویج این ایده پرداخت که جنگ‌ها می‌تواند محدود باشد و اساساً دولتها بر حسب منافع سیاسی، محق در مباررت به چنین جنگ‌هایی هستند. این متفکران و نیز بسیاری از اندیشمندان دیگر در ایجاد یک سیستم حقوق بین‌الملل نقش

1. Mesopotamians

منطقه بین النهرین که از حدود ۵ هزار سال قبل از میلاد محل سکونت تمدن‌های مختلفی چون سومر، آکادی، بابل و آشوری بوده است.

۲. فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم

۳. فیلسوف آلمانی

۴. افسر پروسی

داشتند و مبنایی برای نوعی از اخلاق بین‌المللی که ما امروزه شاهد آن هستیم، فراهم نمودند.

اما غالباً بحث‌های اخلاقی در حاشیه مباحث عملی بین‌المللی مطرح بوده است. لذا این مباحث بیش از آن که تحت تاثیر مجموعه ارزش‌های جهانی قرار داشته باشند، در ارتباط با حقوق آریستوکراسی و حق حاکمیت دولت‌ها مطرح می‌باشند. علاوه بر این، ساختار حوزه بین‌المللی مانع اساسی در برابر گرایش عمده به اخلاق در سیاست خارجی محسوب می‌شود. بعد از پیمان وستفالی که به جنگ‌های ۳۰ ساله در ۱۶۴۸ پایان داد، دولت‌های دارای حاکمیت نقش عمده‌ای در عرصه بین‌المللی یافتند. ظهور دولت‌های دارای حاکمیت بدین معنی بود که غالباً منافع ملی نسبت به علائق وسیع تر بین‌المللی؛ اولویت بیشتری دارد. به هر حال دولت‌ها در اوایل قرن نوزدهم چارچوبه جامعی برای حقوق و تعهدات متقابل در زمان جنگ تهیه کردند.

شکست ناپلئون در سال ۱۸۱۵ زمینه را برای کنگره وین فراهم کرد و برای نخستین بار رویه‌های دیپلماسی را قانون مند کرد تا به ایجاد یک فضای سیاسی برای مذاکره – به جای جنگ – بینجامد. کنفرانس پاریس در سال ۱۸۵۶ پیش بینی‌هایی برای چگونگی تعامل با دولت‌های بی‌طرف در شرایطی که جنگ در امتداد مرزهای این کشورها به وقوع می‌پیوندد، تدارک دید. در جریان جنگ داخلی آمریکا، فرانسیس لیبر^۱ به شدت نگران نحوه برخورد با شهروندان و سربازان اسیر در هر دو طرف جنگ بود. وی در سال ۱۸۶۳ یک طرح اولیه را ارائه کرد که در نهایت به نخستین مقررات رسمی نیروهای مسلح ایالات متحده تحت عنوان «نظام نامه عمومی شماره ۱۰۰»^۲ یا آین نامه لیبرهانزی دونان^۳ تبدیل شد. این آین نامه خشونت غیر ضروری و بیرحمانه و نیز تخریب غیر لازم امکانات و تأسیسات را محکوم نمود و به سرعت تبدیل به یک سند پر اهمیت شد و بر بنیانگذار صلیب سرخ و کنوانسیون‌های بعدی ژنو، تاثیر بسیاری داشت.^(۹)

1. Franceis lieber

2. General Orders Number 100

3. Lieber Code

در دهه ۱۸۸۰ سنت مداخله در امور دیپلماتیک دولت دیگر، برای حمایت از شهروندان پدید آمد. ویلیام گلادسون نگران رفتار تبعیض آمیز علیه مسیحیان بلغاری در امپراتوری عثمانی بود. وی در ۱۸۹۸ نیروهای بریتانیایی را برای حمایت از مسیحیان و ممانعت از کشtar آنان توسط نیروهای نامنظم ترک باشی- بازکوک^۱ اعزام کرد. نکته کلیدی این بود که اگر حقوق هم مذهبان در معرض تهدید قرار گیرد، غرب به حمایت از آنان خواهد پرداخت. در همان سال، آمریکا به امپراتوری اسپانیا اعلام جنگ داد و دلیل آن را نیز بدرفتاری امپراتوری با مردمان تحت سلطه اش دانست. رهبران آمریکا به رغم وجود اهداف ژئوپلیتیکی روشن، معتقد بودند که رفتار اسپانیا «به وجودان بشری شوک وارد کرده بود.»^(۱۰)

کنوانسیون های لاهه در اوآخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، قوانین جنگ^۲ که زمینه ساز کنوانسیون های ژنو بود- را با هدف کمک به حمایت همسان از نظامیان و غیر نظامیان فراهم کرد. آنان دستورالعمل هایی برای رفتار با زندانیان و زخمیان تنظیم کردند و نیز کار برد تعداد معینی از تسلیحات و تکنیک های جنگی را ممنوع کردند. این چارچوبه های جدید باعث گردید تا حدودی جنگ، انسانی شود، اما این امر به منزله توجه به اخلاق در مسائل بزرگ تر سیاست خارجی نبود و شماری از این مباحث در قرن نوزدهم توسط سازمان های فرامملی مورد توجه خاص قرار گرفته بودند. لذا کروکرها^۳ در بریتانیا و ایالات متحده به جنبش ضد برده داری پیوسته و زنان سراسر جهان به حمایت از حق رأی زنان پرداختند.

عموماً حقوق توسط یک دولت دارای حاکمیت به مردم خود اعطاء می شد و یا از طریق مذاکره یا مبارزه توسط گروهی از نخبگان فعل مخالف در برابر قدرت حاکم، به دست می آمد. حقوق به واسطه انسانیت اعطاء نمی شد بلکه بر اساس ملاحظات عقلانی بود. رهبران و فیلسوفان- حتی از مقطع روشنگری به بعد- که خواهان گسترش

1. Turkish Bashi-Bazouk

2. Laws of war

3. Quakers

کروکرها یا انجمن مذهبی دوستی که مخالف جنگ و خشونت بودند و جورج فاکس در دهه ۱۶۴۰- در جریان جنگهای داخلی بریتانیا- این جنبش را بنیان نهاد.

دکترین‌های برابری و حقوق بشر بودند، با کنار گذاشتن بخش عمداتی از مردم با این فرآیند، مشکلی نداشتند. برداشت آنان مبتنی بر این امر بود که تعدادی از مردم غیر منطقی، از لحاظ عقلانی پست تر بوده و یا نمی‌توانند از امکانات و یا ثروت‌شان در جهت ارائه افکار ارزشمند بهره ببرند.

تفکر فوق به دنبال کشتن در نخستین جنگ جهانی و ویرانی‌های حاصل از یک جنگ عمومی در اروپا، فرایند تغییر را تجربه کرد. جاناتان گلور^۱ تاریخ اوایل قرن بیستم اروپا را «یک رویداد حیرت‌انگیز نامطلوب»^۲ می‌نامد.^(۱) پس از کشته شدن حدود ۸/۵ میلیون نفر در اروپا به دنبال نخستین تجربه از یک جنگ عمومی، تغییر در سیستم بین‌المللی مورد توجه واقع شد و وودرو ویلسون^۳ نخستین رهبر عصر مدرن بود که اخلاق و ارزش‌های جهانی را در بطن سیاست خارجی ملی قرار داد. ویلسون خواهان این امر شد که حق تعیین سرنوشت و دموکراسی همسنگ حقوق انسان‌ها باشد. به رغم ناکامی ویلسون در وارد ساختن ایالات متحده به جامعه ملل نوبا، در سال‌های بین دو جنگ، ایده آلیسم تفکر حاکم بر عرصه بین‌المللی دانسته می‌شود. این نگرش در برگیرنده بین‌الملل گرایی - که ریشه در ارزش‌های اخلاقی و هنجاری حقوقی داشت - در ایجاد یک نظام جهانی صلح آمیزتر نقش کلیدی داشت. به عنوان مثال پیمان کلوگ - بربیاند در ۱۹۲۸ تلاشی برای غیر قانونی کردن جنگ به عنوان ابزار سیاست خارجی بود و ۶۵ کشور آنرا امضاء کردند.^(۴)

اما حادث دهه ۳۰ نظیر تهاجم نظامی امپراتوری ژاپن به چین و تجاوز وحشیانه آلمان به همسایگانش، مبانی نگرش ایده آلیسم را به چالش کشید. در سال ۱۹۳۹ ای. اچ کار تفکر «آرمان شهری» ایده آلیسم را مورد انتقاد شدید قرار داد و خواهان پذیرش نگرشی شد که وی آن را «واقع گرایی» نامید. او معتقد بود که عدم امنیت و دنبال نمودن منافع ملی تنگ نظرانه در عرصه بین‌المللی تلاش‌های خوشبینانه برای ایجاد ثبات از طریق همکاری بین‌المللی را تضعیف می‌کند.^(۵) کار با تأکید بر این نقطه نظر، آرمانگرایی یا ایده آلیسم را از واقع گرایی جدا می‌سازد و آنان را جنبه‌های مختلف و

1. Jonathan Glover
2. Unpleasant surprise

خاصی از سیاست خارجی می‌داند. از نظر وی ایده آلیسم شامل ارزش‌ها، اخلاق و نظام اخلاقی است و واقع‌گرایی با حقایق، قدرت و سیاست سروکار دارد.

با این وجود، ایده آلیسم در طول جنگ جهانی دوم، به صورت منطقی تقویت شد. اعلام «اصول چهارگانه آزادی»^۱ روز ولت و در پی آن، مشارکت آمریکا در ایجاد سازمان ملل، در واقع انعکاسی از علاقه اخلاقی بود. اما این امر بخش کوچکی از ایده‌های ارزشمند ویلسون را شامل می‌شد. شاید مهمترین علامت این تلاش‌ها در بسط ارزش‌های اخلاقی را بتوان در دادگاه‌های نورمبرگ در سال‌های ۱۹۴۵-۴۶ یافت. کشтар بی سابقه انسانی در جریان هولوکاست بدین معنی بود که جنگ جهانی دوم صرفاً نبردی برای پیروزی نظامی نبود، بلکه همچنین به دنبال ایجاد یک نظام جدید جهانی بود که «هرگز دیگر» اجازه چنین فجایعی داده نشود. دادگاه‌های نورمبرگ طبقه بنده‌ی جدیدی از جرائم کیفری را وارد حقوق بین‌الملل نمود. مفهوم «جنایت علیه بشریت» مجموعه‌ای از ارزش‌های عام و جهانی است که در قبال تمامی انسان‌ها قابل اطلاق است. علاوه بر این، در دیباچه منشور ملل متحد بر «ایمان خود به حقوق اساسی بشر» اشاره شده و در ماده ۱/۳ همراه با اهداف و اصول سازمان، بر پیشبرد حقوق و آزادی تاکید شده است.^(۱۴)

در چنین پس زمینه‌ای بود که در دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های نسل کشی مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل واقع شد. علاقه اخلاقی پیش از جنگ دوم- تا جایی که مورد پذیرش بودند- به میزان زیادی در زیر مجموعه حوزه قضایی داخلی دولت‌ها قرار گرفتند و باید توجه داشت که دولت‌ها در دوره پس از وستفالی، بر اساس حاکمیت و در نتیجه عدم مداخله شکل گرفته بودند. لذا برای نخستین بار در تاریخ، یک سازمان بین‌المللی می‌کوشید در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر، یک تعریف جامع برای مداخله در امور داخلی اعضاء خود ارائه دهد. این امر بدین معنی بود که انسان‌ها بدین خاطر دارای حقوق نیستند که شهروند

1. Roosevelt's Four Freedoms

در سال ۱۹۴۱، روزولت در کنگره آمریکا «چهار آزادی ضروری انسان» را اعلام کرد که شامل آزادی بیان، آزادی مذهب، زندگی صلح‌آمیز و آزادانه هر ملت و عدم ترس از تجاوز و تهاجم بود.

دولت الف یا ب – بر حسب عملکرد سیاست جهانی معاصر – می‌باشدند، بلکه به بدین خاطر است که آنان انسان می‌باشند و همین امر نشانگر یک راه نو و بدیع بود.^(۱۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر وضعیت منحصر به فردی دارد. این اعلامیه برخلاف اسناد مهم دیگری چون مگناکارتا، اعلامیه فرانسوی حقوق مردم و اعلامیه استقلال آمریکا، معطوف به حقوق و آزادی مردم در هر نقطه از جهان است و همین امر گسترشی از گذشته محسوب می‌شود روپرتسون معتقد است که در دوره پیشین از جنگ جهانی دوم، «به ذهن هیچ یک از رهبران سیاسی – حتی پس از کشتار جنگ جهانی اول – خطور نمی‌کرد که یک نهاد بین‌المللی به دولتها بگوید که چگونه با مردمانشان رفتار کنند». او به این نکته اشاره می‌کند که «حقوق انسانی» تا زمانی که «آنان توسط هیتلر خارج از موضوع قلمداد شدند»، اهمیت اندکی داشتند.^(۱۶)

به هر حال این فرصت جدید از استانداردهای اخلاقی تحت الشعاع روند فزاینده خصوصیت میان بلوک باختز زمین (غیر کمونیست) و خاور زمین (کمونیست) قرار گرفت و فضایی به وجود آمد که والتر لیپمن^۱ در سال ۱۹۴۷، آن را جنگ سرد نماید.

اخلاق، سیاست و جنگ سرد

پدیدار شدن جنگ سرد موضع واقع‌گرایی را به عنوان یک چارچوبه عقلانی مسلط بر عرصه سیاست خارجی تقویت کرد. نگرش واقع‌گرایی که گاه به مدل سیاست قدرت نیز شناخته می‌شود، تردید داشت که صلح بین‌المللی دائمی امکان پذیر باشد. نیبور در کتاب «مرد اخلاقی و جامعه غیر اخلاقی»^۲ بر این نکته تاکید دارد که جنگ‌های اوایل قرن بیستم نشان داد، «اراده برای خوبی» غالباً در جایگاه والاتر از «اراده برای قدرت»^۳ قرار ندارد.^(۱۷) مورگتنا نیز در کتاب سیاست میان ملت‌ها در کنار نیبور و کار، مبانی پایه‌ای نگرش واقع‌گرایی را تدوین می‌کند و هدف دولتها را «دفاع از منافع بر حسب قدرت» تعریف می‌کند.^(۱۸) فرض می‌شود انسان ماهیتا میل شدیدی به قدرت دارد و به

1. Walter Lippmann
2. Moral Man and Immoral Society
3. Will for good
4. Will for power

نظر می‌رسد جنگ و خشونت شکل ابدی سیستم بین‌المللی آنارشیستی است. به هر حال، دولت‌های دارای حاکمیت در شرایط فقدان هر نوع اقتدار بالاتر، راهی بجز مسئولیت پذیری جهت حفاظت از منافع خود را ندارند. در نتیجه دولت‌ها – اعم از دموکراتیک و غیر دموکراتیک – به این امر گرایش داشتند که آنچه از لحاظ اخلاقی در عرصه داخلی و خارجی قابل قبول است، برای آن تمایز روشنی قائل شوند. در جریان جنگ سرد سیستم توتالیتی در برابر سیستم دموکراتیک تر غربی به مبارزه پرخواست، اما به واسطه این چالش جهانی، اخلاق از هر دو سوی مناقشه نادیده گرفته شد. به عنوان مثال، ایالات متحده و متحداش با شماری از رژیم‌های بسیار سرکوبگر جهت مقابله با آنچه که دشمن بزرگتر – کمونیسم به سبک شوروی – تلقی می‌شد، متحد شدند. جین کرکپاتریک^۱ این جمع بندی معروف را مطرح ساخت که تمایل آمریکا به تقویت رژیم‌های اقتدار گر در برابر کمونیسم موجب شد تا انواع مختلفی از رژیم‌های اقتدار گر بر سر کار آید. شماری از رژیم‌های سرکوبگر از این وضعیت بهره بردند. فردینالد مارکوس^۲ در فیلیپین، پاپا دوک دووالیر^۳ در هائیتی، پارک چونگ هی^۴ در کره جنوبی، محمد رضا پهلوی^۵ در ایران، آگوستو پینوشه^۶ در شیلی، محمد سوهارتو^۷ در اندونزی و موبوتوسه سه کو^۸ در زئیر را قطعاً می‌توان در طبقه بندی این رژیم‌های سرکوبگر قرار داد.

اتحاد شوروی نیز به نوبه خود، حقوق مدنی و سیاسی برای شهروندانش قائل نشد و در عرصه بین‌المللی به یک سری مداخلات ضد بشر دوستانه اقدام نمود. شاید بتوان مداخله در مجارستان به سال ۱۹۵۶ را به عنوان یک مثال کلاسیک در این عرصه دانست. همچنین، این کشور مدل شوروی را بر کشورهای اروپای مرکزی تحمیل کرد

۱. Jeanne Kirkpatrick

۱. دهمین رئیس جمهور فیلیپین (۱۹۶۰-۱۹۸۶) که سقوط کرد.

۲. رئیس جمهورهائیتی از ۱۹۵۷-۱۹۷۱ که مرد.

۳. رئیس جمهور کره جنوبی ۱۹۶۱-۱۹۷۶ تبرور شد.

۴. پادشاه ایران ۱۹۴۱-۱۹۷۹ با انقلاب سرنگون شد.

۵. رئیس جمهور نظامی شیلی ۱۹۷۳-۱۹۹۰.

۶. رئیس جمهور اندونزی ۱۹۶۵-۱۹۹۷ که سقوط کرد.

۷. رئیس جمهور زئیر ۱۹۶۴-۱۹۹۷

و نیز مسکو از شماری دیکتاتوری‌های خشن در جهان سوم، حمایت کامل به عمل آورد که از آن جمله می‌توان به منگستو هایله ماریام^۱ در اتیوپی، صدام حسین^۲ در عراق، حافظ اسد^۳ در سوریه، فیدل کاسترو^۴ در کوبا و کیم ایل سونگ^۵ در کره شمالی اشاره کرد.

با این وجود، رهیافت واقع‌گرایی در سیاست خارجی موجب این برداشت می‌شود که دولتها صرفاً واحدهای واکنش‌گرا هستند و به جای این‌که این دولتها و رهبرانشان نقش قاطعی در شکل گیری محیط فعالیت خود داشته باشند، عملکردشان تنها پاسخی به محیط آثارشیستی است. کراگ^۶ بر این باور است که «خدمات عظیم انسانی می‌تواند بر این مبنا توجیه شود که حاصل رفتار اجتناب ناپذیر سیستم بین‌المللی روابط قدرت خالی از احساس است. واقع گرایان رهبران جهان را ترغیب می‌کنند که تألمات شدید اخلاقی را نادیده گرفته و بازی سیاست بین‌الملل را بر اساس مقررات مشخصی از تعهدات سیاسی پیش ببرند». ^(۷) منافع ملی نسبت به التزام جلوگیری از گسترش کشتار جمعی یا رشد فقر و خودکامگی در دولتها، اولویت دارد. شاید کسی بتواند این جمله معروف جورج کنان را به خاطر آورد که وی به نکوهش «این پیش فرض» پرداخت که «رفتار دولت منافع برای قضایت اخلاقی است.» از نظر واقع‌گرایان منافع دولت برتر از استلزمات اخلاقی است.

با وجود این‌که جنگ سرد باعث شد تا مکمل بودن اخلاق در سیاست خارجی مورد توجه واقع نشود، اما در عین حال و در همین دوره بود که هنجارهای اخلاقی در عرصه بین‌المللی نهادینه شد. در سال ۱۹۶۶ و با ۱۸ سال تاخیر، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل (CHR)^۸ در نهایت توانت حقوق اساسی مورد پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر را مدون سازد.^(۹) این کنوانسیون‌ها در سال ۱۹۷۶ لازم اجرا شدند.

۱. رهبر اتیوپی از ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۱ سقوط کرد.

۲. رهبر عراق از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۳ اعدام شد.

۳. رهبر سوریه از ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۰ مرد.

۴. رهبر کوبا از ۱۹۵۹ تا ۲۰۰۸ کناره گیری کرد.

۵. رهبر کره شمالی از ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ مرد.

6. Kraig

7. UN Commission on Human Rights (CHR)